

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران (توفان)

۲۲ دسمبر ۲۰۲۲

چشم‌انداز روشن و رهبری منسجم ملزومات اولیه پیروزی‌اند

سیر رویدادهای اخیر ایران به صحت ارزیابی‌های حزب ما مهر تأیید زد. خانم مهسا امینی به اسارت ماموران گشت ارشاد درآمد و پیکره بی‌جان وی را به خانواده‌اش تحویل دادند. هیچ‌کس تا به امروز در این مورد پاسخگو نیست و حتی در اخباری که منتشر شده مسئولان قوه قضائیه اعلان کرده‌اند که قوه قضائیه مسئول این امر نبوده و همان کسانی که گشت ارشاد را ایجاد کردند حالا آن را برچیده‌اند!!؟؟ پرسش این است که آن مسئولان غیبی چه کسانی هستند و چرا در مقابل مردم، قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی پاسخگو نیستند؟ حاکمیت ایران هنوز هم از این اعتراضات فراوان نیاموخته و به روش گذشته خود برای دروغ‌گوئی و پنهانکاری ادامه می‌دهد. ولی اعتراض عمومی جوانان و به ویژه زنان نسبت به قتل خانم مهسا امینی اعتراض مشروع و به حق بود. ریشه‌های عمیق این اعتراضات طبیعتاً در وضعیت اسفناک اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، شکاف طبقاتی و اجتماعی جامعه ایران بعد از ۴۳ سال حاکمیت جمهوری اسلامی نهفته است که مظهر فساد، خودکامی، نقض دائمی حقوق همه مردم ایران، تحقیر زنان و توهین به کرامت انسانی است. روشن است که سیاست‌های نئولیبرالی غارت‌گرانه استعماری در صفوف حاکمیت ایران ریشه‌های عمیق وابستگی اقتصادی دارند که آنها از آن دل برنمی‌کنند و این سیاست خویشاوندسالاری یکی از پایه‌های فساد و تبعیض در جامعه ایران است.

تمام این ترکیب مسموم موجود در حاکمیت، همراه با فشار خارجی و تحریم‌های ضدبشری، بغض و کینه مشروع نسل جوان را نسبت به این سیاست گردن‌کلفتی، بی‌توجهی، بی‌تفاوتی و گسل خودی و غیرخودی به درجه‌ای از انفجار کشانید که ما نتایج آن را برای چندمین بار می‌بینیم. این اعتراضات نه برای نخستین بار است و نه برای آخرین بار خواهد بود. فقر، بیکاری، فلاکت، تحقیر مردم، زورگوئی، عدم پاسخگوئی مسئولان به مردم و... زمینه‌های این اعتراضات را فراهم می‌آورد. علیرغم این واقعیات غیرقابل کتمان باید اعتراف کرد با دریائی از خشم و نفرت نمی‌شود آینده‌سازی کرد. حرکتی که به صورت شورشی کور بروز نمود، فاقد چشم‌انداز روشن بود، اعتراضاتی که نمی‌دانند شعار مشخصشان چیست و برای تحقق چه امری به خیابان آمده‌اند، چه دورنمایی دارند، عملاً به علت فقدان ارگان و ستاد رهبری مدبر، سالم و ایران‌دوست به خواسته‌هایی چنگ می‌اندازد که زودرس بوده و مورد حمایت عمومی مردم نیستند و طبیعتاً به تدریج از توان شورش کاسته شده و زمین‌گیر می‌گردد. این زمین‌گیری که نشانه تحلیل رفتن توان جنبش است با خودش یاس، سرخوردگی و ارتداد به همراه می‌آورد و توان حرکت عمومی آتی مردم را به تاخیر می‌اندازد.

حرکتی بخت پیروزی دارد که حمایت عمومی مردم را به دنبال داشته و پیوند با مردم را همیشه حفظ کند. حرکتی بخت پیروزی دارد که سازمان‌یافته بوده و دارای رهبری سیاسی وطن‌دوست و آگاه باشد و بداند که در جنگ و گریزهای میدانی، سیاسی، تبلیغاتی، فرهنگی و سرانجام نظامی از چه راهکارهایی باید بهره ببرد. این شورش که در بدو امر خواست‌های منطقی از جمله رسیدگی به قتل خانم مهسا امینی را در سر داشت و طلب می‌کرد که مسئولان این جنایت پاسخ‌گو بوده، گشت ارتجاعی ارشاد برچیده شود، و حجاب اجباری لغو گردد، بدون توجه به نضج جنبش به ارتقاء شعارهایی دست زد که محصول تحول طبیعی و درجه مناسب قوام و آمادگی توده مردم نبود و این زمینه‌ای شد تا فضای اعتراضات عوض شود و هسته‌های خفته ستون پنجم مجاهدین تحت عنوان «کانون‌های شورشی» محلات و جریان‌های تجزیه‌طلب داخلی، مخالفت‌های مشروع را بعضاً به سمتی برای تخلیه نفرت و خشم اندوخته خود بکشانند که به آلت دست دشمنان ایران برای ایجاد ناامنی، دامن زدن به تروریسم و فرهنگ و سوریه‌ای کردن ایران بدل شوند. رهبری این اعتراضات را فضای مجازی ضدایرانی در دست گرفت که رسماً و با تائید سازمان‌های حقوق بشر و دولت‌مردان غربی آموزش رسمی تروریسم می‌داد و با سیاست تا تنور داغ است باید نان را چسباند، تا می‌توانست به جعل اخبار و دروغ‌گویی پرداخت تا به مقاصد شوم خود نایل شود. حرکتی که در بدو امر مطالبات عادلانه داشت به بهانه سرنگونی حاکمیت به عرصه‌هایی کشانیده شد که برای تبلیغات تروریست‌ها قربانی بیافریند. این‌که با توجه به دامنه اعتراضات تعداد قربانیان می‌توانست بیش‌تر از این باشد ناشی از آن بود که جمهوری اسلامی سیاست خود را مبتنی بر گذر زمان و تحلیل رفتن قوای این حرکت بنا کرد و از تمام امکاناتش برای سرکوب که مورد نظر مجاهدین بود استفاده نکرد و این مورد غضب دشمنان ایران است. آنها دامشان را برای نسل‌کشی و قتل‌عام آفریده بودند تا زمینه تبلیغاتی تجاوز به ایران را آماده کنند. تمام سیاست تبلیغاتی و تدارکاتی آنها در عرصه جهانی که از سال‌ها قبل زمینه‌های آن را میان اپوزیسیون در خارج به وجود آورده‌اند را به کار گرفتند و تمام زورشان را زدند ولی با شکست کامل روبرو شدند. تمام اعتراضات دستوری خارج از کشور که در همه زمینه‌ها از جانب طبقه حاکمه ممالک امپریالیستی به آنها پمپاژ نیرو و روحیه می‌شد تا استمرار خوراک تبلیغاتی را حفظ کند و با تهدید و فشار و سبک کار داعشی و شعبان بی‌مخی مخالفان را قلع و قمع کنند با شکست روبرو شد.

مردم ایران در اکثریت خویش علیرغم نفرت بی‌کرانشان نسبت به رژیم حاکم و آفازاده‌های آنها حاضر نشدند علیرغم همدلی خویش با خواست‌های نخست معترضان به میدان آیند و در راه نابودی ایران در زیر شعار آزموده «همه با هم» گردآیند. مردم ایران سلطه و سرکوب جمهوری اسلامی را به نابودی ایران، پیروزی احزاب تجزیه طلب ترجیح دادند و این فشار روحی و روانی ناشی از بی‌سازمانی و عدم وجود یک رهبری کاردان و قابل اعتماد برای مردم است. خلق‌های ایران نشان دادند که هوادار تجزیه ایران نیستند و از احزاب متکی به بیگانگان در ایران حمایت و پیروی نخواهند کرد.

مردم ایران رویائی دارند که این رژیم حاکم را سرنگون کرده و رژیمی بر سر کار آورند که مضمونی دموکراتیک داشته و برای سربلندی ایران عزیز فعالیت کند. مردم ایران حکومتی می‌خواهند که از تمامیت ارضی ایران، حق حاکمیت ملی ایران، حقوق مسلم ایران در عرصه‌های بین‌المللی دفاع نماید، قدرت دفاعی آن به قدری باشد که هیچ قدرت خارجی به مغزش خطور کند به ایران تجاوز کند، ایرانی می‌خواهند که از نظر اقتصادی نیز بندهای وابستگی به اجنبی را قطع کرده و در نظم نوین جهانی نقشی مهم و برارنده ایران در منطقه ایفاء کند، حکومتی که غرب‌گرایان استعماری را که چشم بر تجربه چند سده تاریخ معاصر ایران بسته و حاضرند مجدداً در منطقه یوغ استعمار آمریکا و اسرائیل را به گردن خود بیاندازند طرد کنند.

این ایرانِ آرمانی با شورش کوری که رهبری آن را پس از چند روز ارتجاع جهانی به کف آورد و خون در کف خیابان جاری نماید، به قتل و ناامنی دامن زند و بهانه به رژیم حاکم دهد تا بیش‌تر خون بریزد تا مین نمی‌شود. این ایران باید با شرکت و حضور میلیونی مردم در مخالفت با جمهوری اسلامی و نفرت از دخالت اجانب و ایرانیان وطن‌فروشی که دست به سینه آنها بوده و ماهیت ارتجاعی خویش را در این مدت کوتاه نشان دادند، در خدمت به فرودستان جامعه ساخته شود. به این جهت نیروهای مترقی در ایران باید مبارزه و خشونت کنونی را به مبارزه طبقاتی بدل کنند و به تشکل طبقه کارگر، چه سیاسی و چه صنفی به دور از آوانتوریسم و خرابکاری معمول توجه نمایند، حمایت از مطالبات آنها را در دستور کار خود قرار دهند، مبارزه فرهنگی و سایر اقشار و طبقات ایران را که در پی ایجاد سازمان‌های صنفی خود هستند ارج نهد. پیدایش این سازمان‌های صنفی و مبارزه آنها برای تحقق حقوق حقه خویش دست تروریست‌ها، خرابکاران، آوانتوریست‌ها، عمال امپریالیسم و صهیونیسم را برای منحرف کردن مبارزات مردم در ایران می‌بندد و این سبب خواهد شد تا زمینه شرکت وسیع مردم در مبارزه را در آینده فراهم آورد. ارتجاع نمی‌تواند حامی حقوق کارگران و خواست‌های صنفی و سیاسی آنها باشد، زیرا گور خود را خواهد کند. بی‌بی‌سی، رادیوهای سعودی اینترنشنال، من و تو، رادیو فردا و زمانه، صدای آمریکا و نظایر آنها با نقاب‌های «چپ» و راست خفقان خواهند گرفت، زیرا نمی‌توانند از مبارزات دموکراتیک و ضدامپریالیستی فرهیختگان جامعه و طبقه کارگر دفاع کنند. اعتراضات کنونی نشان داد حکومت رفتنی است ولی ایران ماندنی است و مردم با مسئولیت به این امر برخورد کرده از کشورشان در مقابل دشمنان با تمام مصائب و سختی‌ها، علیرغم همه نارضایتی‌ها با بردباری و شرافت و عرق ملی حمایت می‌کنند. عقب نشینی رژیم از هم اکنون مشهود است. بکوشیم از سنگرهای به دست آمده با هشیاری دفاع کنیم و بیش‌تر امتیاز کسب نمائیم و مانع شویم که دشمنان ایران مجدداً ابتکار عمل را برای تخریب و نابودی ایران در داخل و خارج به کف آورند.

نقل از توفان ارگان مرکزی حزب کار ایران شماره ۲۷۴ دی ماه ۱۴۰۱

www.toufan.org